



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۷۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای سید روح الله موسوی

مقدمه

دلایل شرعی بر دو دسته لفظی تقسیم می‌شوند. تاکنون با مباحث مختلفی در مورد دلایل شرعی لفظی آشنا شده‌ایم. آخرین بحثی که در این کتاب، در مورد دلایل لفظی مطرح شده این است که اگر مدلول مطابقی دلیل شرعی، به طور کلی یا در موارد خاصی، ساقط شود، آیا مدلول التزامی دلیل هم ساقط می‌شود یا آنکه هم چنان بر حجیت خود باقی است؟

پرواضح است که هر نوع پاسخ به این سؤال، در استنباطات فقهی تأثیرگذار بوده و فروع فقهی متعددی را تحت پوشش می‌گیرد.

به نظر می‌رسد در فهم مطالب این درس، تسلط به بحث انواع دلالات لفظی، امری ضروری باشد. هم‌چنین آشنایی کافی با مبحث «مبادی حکم تکلیفی» نیز از پیش‌نیازهای مطالب پیش‌رو می‌باشد.

متن درس

إثبات الملاك بالدليل

عرفنا سابقا ان كل حكم له ملاك، فالوجوب مثلا ملاكه المصلحة الأكيدة في الفعل، و الدليل على الحكم بالمطابقة دليل بالالتزام على ملاكه فله مدلولان مطابقى و التزامى. فإذا افترضنا فى حالة من الحالات ان الحكم تعذر إثباته بذلك الدليل، كما هو الحال فى صورة العجز، فان الحكم بوجوب الفعل على العاجز غير صحيح، فهذا يعنى ان المدلول المطابقى للدليل ساقط فى هذه الصورة، و السؤال بهذا الشأن هو انه هل يمكن إثبات وجود الملاك بالدليل فيما إذا كان هناك أثر يترتب على إثبات الملاك كوجوب القضاء مثلا؟ و الجواب على هذا السؤال يتعلق بما يتخذ من مبنى فى ترابط الدلالة الالتزامية مع الدلالة المطابقية فى الحجية، فان قلنا باستقلال كل من هاتين الدالتين فى الحجية أمكن إثبات الملاك فى المقام بالدلالة الالتزامية للدليل، لأن سقوط دلالاته المطابقية لا يؤثر على حجية الدلالة الالتزامية بحسب الفرض، و ان قلنا بتبعية الالتزامية للمطابقية فى الحجية، كما هو الصحيح، فلا يمكن ذلك. و عليه ففى كل حالة يتعذر فيها إثبات نفس الحكم بالدليل لا يبقى فى الدليل ما يثبت وجود الملاك.

و مثل ذلك ما إذا كان الدليل على حكم دالا بالالتزام على حكم آخر، و سقط المدلول المطابقى، فان محاولة إثبات الحكم المدلول التزاما حينئذ بنفس الدليل كمحاولة إثبات الملاك بالدليل فى الحالة الآتية الذكر.

و مثال ذلك: دليل الوجوب الدال بالالتزام على الحكم بالجواز و عدم الحرمة، فإذا نسخ الوجوب جرى البحث فى مدى إمكان إثبات الجواز و عدم الحرمة بنفس دليل الوجوب المنسوخ، و الكلام فيه، كما تقدم فى الملاك.

اثبات ملاک با استفاده از دلیل

مدلول مطابقی و التزامی حکم

در مباحث پیش گفته دانستیم^۱ که حکم دارای ملاک است و براساس این ملاک، اراده‌ای در نفس مولا شکل گرفته که منجر به جعل شده است. بنابراین هر دلیلی که بالمطابقه دلالت بر حکم می‌کند، بالالتزام دلالت بر ملاک حکم دارد. به عنوان مثال، «صَلِّ» به دلالت مطابقی دلالت بر وجوب صلاة دارد و به دلالت التزامی وجود مصلحت شدید و اکید در صلاة را افاده می‌کند. هم‌چنین «لا تشرب الخمر» بالمطابقه دلالت بر حرمت خمر می‌کند و بالالتزام دلالت بر وجود مفسده شدید در شرب خمر دارد.

اما در برخی موارد نمی‌توان حکم (مدلول مطابقی دلیل) را اثبات نمود؛ در چنین مواردی این سؤال مطرح می‌شود که آیا با سقوط مدلول مطابقی دلیل، ملاک این حکم هم ساقط است؟ یا اینکه می‌توان با تمسک به دلالت التزامی، ملاک را به اثبات رساند؟ مثلاً اگر مکلفی در وقت نماز عاجز از ادای فریضه نماز باشد نمی‌توان وجوب صلاة را در حالت عجز برای او ثابت دانست؛ یعنی «صَلِّ» مدلول مطابقی خود را در این حالت از دست داده است؛ در این صورت آیا می‌توانیم بگوییم - علی رغم آن که مدلول مطابقی از بین رفته است - مدلول التزامی آن که اثبات ملاک می‌کند باقی می‌ماند و از این طریق، وجوب قضای نماز را در حق این مکلف اثبات کنیم؟

تطبیق

إثبات الملاک بالدلیل؛ عرفنا سابقا ان کل حکم له^۲ ملاک، فالوجوب مثلا ملاکه المصلحة الأكيدة فی الفعل، ثابت کردن ملاک با استفاده از دلیل حکم؛ دانستیم که برای هر حکمی ملاکی است، مثلاً ملاک وجوب، مصلحت اکید در انجام دادن است.^۳

و الدلیل علی الحكم بالمطابقة دلیل بالالتزام علی ملاکه، فله^۴ مدلولان مطابقی و التزامی. و دلیلی که به نحو دلالت مطابقی، دلالت بر حکم می‌کند، به دلالت التزامی دلالت بر ملاک حکم دارد؛ پس برای دلیل، دو مدلول وجود دارد: مدلول مطابقی (حکم) و مدلول التزامی (ملاک). فإذا افترضنا فی حالة من الحالات ان الحكم تعذر إثباته بذلك الدلیل، كما هو الحال فی صورة العجز، فان الحكم بوجوب الفعل علی العاجز غیر صحیح،

پس اگر در برخی حالات فرض کنیم که اثبات حکم به وسیله آن دلیل امکان‌پذیر نیست، همان‌گونه که در صورت عجز مکلف، اثبات حکم ناممکن است؛ زیرا حکم کردن به وجوب فعل بر شخص عاجز صحیح نیست،^۵

^۱. رک: همین کتاب، الحكم الشرعی و تقسیمه، مبادئ الحكم التکلیفی.

^۲. مرجع ضمیر: کل حکم.

^۳. همان‌طور که ملاک حرمت، مفسده شدید در انجام دادن فعل است.

^۴. مرجع ضمیر: الدلیل.

^۵. چرا که طبق قاعده «استحالة التکلیف بغیر المقدور» محال است که شارع حکیم، به چیزی تکلیف کند که در حد توان و قدرت مکلف نباشد.

فهذا^۱ یعنی ان المدلول المطابقى للدلیل ساقط فى هذه الصورة،

این فرض بدین معناست که مدلول مطابقی دلیل، در این صورت خاص (مثلاً عجز مکلف) از بین رفته است.^۲
و السؤال بهذا الشأن هو انه هل يمكن إثبات وجود الملاک بالدلیل فيما إذا كان هناك أثر يترتب^۳ على إثبات الملاک
كوجوب القضاء مثلاً؟

سؤالی که در این باره مطرح می‌شود این است که آیا ممکن است که وجود ملاک را با استفاده از چنین دلیلی اثبات
کنیم؟ البته این سؤال در مواردی جای طرح دارد که بر اثبات ملاک اثری مترتب شود، مثل وجوب قضاء.

SCO۱: ۱۰:۰۲

ابتناى بحث بر نحوه ارتباط دلالت مطابقى و التزامى

بیان شد که حکم، مدلول مطابقی دلیل شرعی و ملاک، مدلول التزامی آن است. با این سؤال مواجه شدیم که اگر
مدلول مطابقی دلیل ساقط شد، آیا ملاک (مدلول التزامی) نیز ساقط می‌شود یا خیر؟
پاسخ به این پرسش با استفاده از مباحث پیشین قابل تبیین است. درباره ارتباط دلالت التزامی با دلالت مطابقی بیان
شد^۴ که طبق قول اصح، دلالت التزامی، در حجیت تابع دلالت مطابقی است؛ بنابراین هرگاه دلالت مطابقی کلام از
حجیت بیفتد دلالت التزامی کلام هم به تبع آن از حجیت ساقط می‌شود. طبق این مبنا اگر امکان اثبات حکم
(مدلول مطابقی دلیل) وجود نداشته باشد، به تبع سقوط این دلالت مطابقی از حجیت، ملاک (دலالت التزامی) هم از
حجیت ساقط خواهد شد.

اما اگر قائل به استقلال دلالت مطابقی و التزامی از همدیگر باشیم و بگوییم این دو در مقام حجیت، از هم متابعت
نمی‌کنند، در این صورت سقوط یکی از آن دو به سقوط دیگری از حجیت نمی‌انجامد؛ لذا طبق این مبنا، به رغم
اینکه دلالت مطابقی از حجیت ساقط شود، دلالت التزامی می‌تواند حجت باشد و (مثلاً) در حق مکلف عاجز،
ملاک را اثبات کنیم.

FG

اثبات الملاک بالدلیل } تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی ← با ساقط شدن حکم، ملاک نیز ساقط می‌شود.
استقلال دلالت التزامی از دلالت مطابقی ← با ساقط شدن حکم، ملاک ساقط نمی‌شود.

^۱ . مشارالیه: «الفرض» که از عبارت قبلی برداشت می‌شود.

^۲ . در نگاه بدوی، دلیل «صل» اطلاق دارد و شامل حالت عجز هم می‌شود، اما با توجه به قرینه عقلی استحاله تکلیف به غیر مقدور، وجوب صلاة
برای عاجز ساقط می‌گردد.

^۳ . مرجع ضمیر مستتر فاعلی: اثر.

^۴ . ر.ک: همین کتاب، القواعد العامة فى الادلة المحرزة (۲)، تبعية الدلالة الالتزامية للمطابقة.

تطبيق

و الجواب على هذا السؤال يتعلق بما يتخذ من^۱ مبنى في ترابط الدلالة الالتزامية مع الدلالة المطابقة في الحجية، پاسخ به این پرسش بستگی دارد به مبنایی که در مورد ارتباط دلالت التزامی با دلالت مطابقی در حجیت، اتخاذ می‌شود.

فان قلنا باستقلال كل من هاتين الدالتين في الحجية أمكن إثبات الملاك في المقام بالدلالة الالتزامية للدليل، پس اگر قائل شویم که این دو دلالت، در حجیت از یکدیگر استقلال دارند، می‌توان در این بحث، با استفاده از دلالت التزامی دلیل، ملاک را اثبات نمود.

لأن سقوط دلالاته المطابقة لا يؤثر على حجية الدلالة الالتزامية بحسب الفرض، زیرا سقوط دلالت مطابقی دلیل از حجیت، طبق این فرض (استقلال دلالت مطابقی و التزامی از همدیگر) تأثیری در حجیت دلالت التزامی ندارد.

و ان قلنا بتبعية الالتزامية للمطابقة في الحجية، كما هو الصحيح، فلا يمكن ذلك.

و اگر قائل به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی در حجت شویم، همان طور که مبنای صحیح همین است، اثبات ملاک، در فرض ساقط شدن دلالت مطابقی ممکن نیست.

و عليه^۲ ففی كل حالة يتعذر فيها إثبات نفس الحكم بالدليل لا يبقى في الدليل ما يثبت وجود الملاك.

بنابراین قول، در هر حالتی که اثبات خود حکم (مدلول مطابقی) با استفاده از دلیل، ممکن نباشد، در دلیل، دلالتی که اثبات کننده ملاک (مدلول التزامی) باشد باقی نمی‌ماند.

SCO۲: ۱۴:۱۹

دلالت التزامی دلیل بر حکمی دیگر

شهید صدر (ره) اثبات ملاک در فرض سقوط دلالت مطابقی را منوط به مبنای متخذ در نحوه ارتباط دلالت التزامی و مطابقی دانستند. ایشان در ادامه، تنظیری را مطرح می‌کنند که قضاوت در مورد آن نیز مبتنی بر مبنایی است که در مورد ارتباط میان دلالت التزامی و مطابقی انتخاب می‌شود.

در صورتی که دلیلی، بالمطابقه دال بر حکمی باشد و بالالتزام دال بر حکمی دیگر باشد، اگر مدلول مطابقی دلیل ساقط شود، آیا مدلول التزامی باقی می‌ماند یا خیر؟

به عنوان مثال، اگر دلیلی به دلالت مطابقی دال بر وجوب باشد، در نتیجه به دلالت التزامی دلالت بر جواز و عدم وجوب^۳ می‌کند. اگر بعد از مدتی حکم وجوب فسخ شود - و به این ترتیب از حجیت ساقط گردد - دلیل دال بر وجوب، حجیت مدلول مطابقی خود را از دست داده است؛ حال آیا می‌توان گفت که این دلیل، هم‌چنان در مدلول التزامی‌اش (عدم حرمت) حجیت دارد یا خیر؟

۱. من بیانیه، بیان برای «ما».

۲. مرجع ضمیر: القول بتبعية الالتزامية المطابقة.

۳. جواز و عدم حرمت تفاوتی با هم ندارد و به یک معنا به کار می‌رود.

پاسخ به این سؤال هم، بستگی به مبنایی دارد که در زمینه ارتباط دلالت التزامی و دلالت مطابقی اتخاذ می‌شود. بنابراین اگر قائل به تبعیت شویم، سقوط دلالت دلیل بر وجوب، منجر به سقوط دلالت دلیل بر عدم حرمت می‌گردد؛ اما اگر قائل به استقلال باشیم، در صورتی که مدلول مطابقی (وجوب مثلاً) ساقط شود، مدلول التزامی (عدم حرمت) هم چنان حجت است و اعتبار خود را حفظ می‌کند.

FG

دالت مطابقی دلیل بر حکم و
 دالت التزامی بر حکمی دیگر،
 در صورت اسقاط دلالت مطابقی

طبق قول به استقلال: دلالت التزامی، حجت است.
 طبق قول به تبعیت: دلالت التزامی نیز ساقط می‌شود.

تطبيق

و مثل ذلك^۱ ما إذا كان الدليل على حكم دالا بالالتزام على حكم آخر، و سقط المدلول المطابقي، و نظير آنچه بیان کردیم، موردی است که دلیلی (به دلالت مطابقی) دلالت بر حکمی بکند و به دلالت التزامی دلالت بر حکمی دیگر داشته باشد، و مدلول مطابقی (از حجیت) ساقط شود.

فان محاولة إثبات الحكم المدلول التزاما حينئذ^۲ بنفس^۳ الدليل كمحاولة إثبات الملاک بالدليل في الحالة الآنفه الذكر.

تلاش برای اثبات حکمی که مدلول التزامی است، در فرضی که مدلول مطابقی ساقط شده است، نظیر تلاشی است که برای اثبات ملاک، به وسیله دلیل انجام دادیم، در حالتی که پیش از این با فاصله اندکی ذکر شد.

و مثال ذلك^۴ دليل الوجوب الدال بالالتزام على الحكم بالجواز و^۵ عدم الحرمة، و مثالی که در این مورد می‌توان زد، دلیل دال بر وجوب (به دلالت مطابقی) است که به دلالت التزامی، بر جواز و عدم حرمت دلالت می‌کند.

فإذا نسخ الوجوب جرى البحث في مدى إمكان إثبات الجواز، و عدم الحرمة بنفس^۶ دليل الوجوب المنسوخ^۷، و الكلام فيه^۸، كما تقدم في الملاک.

^۱ . مشارالیه: اثبات الملاک بالدلیل.

^۲ . یعنی: حین سقوط المدلول المطابقی.

^۳ . متعلق: اثبات الحكم.

^۴ . مشارالیه: کون الدلیل علی حکم دالا بالالتزام علی حکم آخر و سقط المدلول المطابقی.

^۵ . عطف تفسیری.

^۶ . متعلق: اثبات الجواز.

^۷ . صفت «الوجوب».

^۸ . مرجع ضمیر: «امکان اثبات الجواز و عدم الحرمة» یا «اثبات الحكم المدلول التزاما حينئذ بنفس الدليل».

پس اگر وجوب (مدلول مطابقی دلیل) نسخ شود، بحث در این حوزه است که با همین دلیلی که وجوبش منسوخ شده، امکان اثبات حکم جواز و عدم حرمت وجود دارد (یا خیر؟)؛ و کلام در این مورد به همان صورتی است که در بحث اثبات ملاک مطرح شد.

SCOR: ۲۲:۵۸

چکیده

۱. هر دلیل شرعی، بالمطابقه دلالت بر حکم می‌کند و بالالتزام دلالت بر ملاک حکم دارد.
۲. طبق قول اصح، دلالت التزامی، تابع دلالت مطابقی است؛ پس اگر دلالت مطابقی دلیل (حکم) ساقط شود، دلالت التزامی (ملاک) نیز ساقط می‌گردد.
۳. اگر قائل به استقلال دلالت مطابقی و التزامی از هم‌دیگر باشیم، با سقوط دلالت مطابقی از حجیت، دلالت التزامی ساقط نمی‌شود؛ بنابراین با سقوط حکم، ملاک باقی می‌ماند.
۴. اگر دلیل شرعی، بالمطابقه دلالت بر حکمی بکند و بالالتزام دلالت بر حکمی دیگر داشته باشد، با سقوط دلالت مطابقی از حجیت، در صورتی که قائل به تبعیت دلالت التزامی از مطابقی باشیم، حکم دوم نیز ساقط می‌شود؛ اما اگر قائل به استقلال این دو نوع دلالت باشیم، حکم دوم ساقط نمی‌گردد.